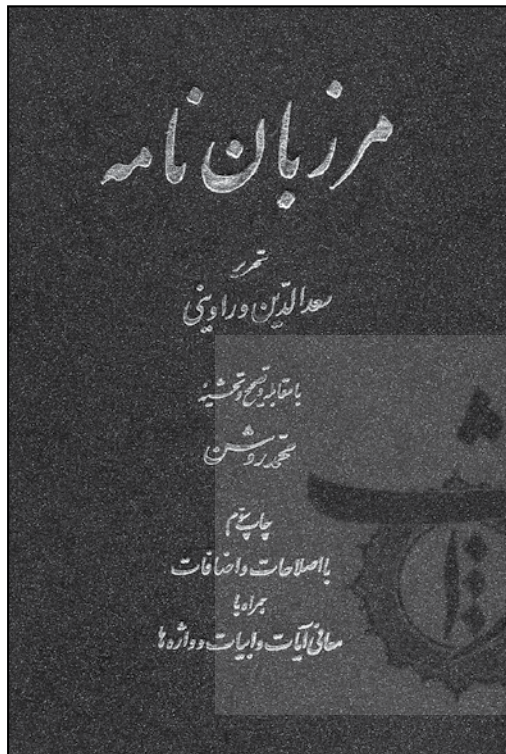


بازتاب آیین شاه‌کشی در مرزبان‌نامه

سید محمد صاحبی



سالها پیش، دکتر معین با مقایسه رساله پهلوی «یوشت فریان و آخت» و «مناظره دیو گاوپای با دانای دینی» که در باب چهارم مرزبان‌نامه آمده است، به نقد اسطوره‌شناختی مرزبان‌نامه پرداخت (نک: تفضلی، صص ۲۵۴-۲۵۵) در مقاله حاضر نیز بازتاب یکی از آیین‌های کهن اساطیری در این کتاب بررسی می‌شود. داستان «غلام بازگان» در باب دوم مرزبان‌نامه مندرج است. نخست خلاصه بخشی از این قصه را بازخوانی می‌کنیم: «بازرگانی غلامی داشت داندل و زیرکسار... روزی خواجه گفت غلام را: ای غلام، اگر این بار دیگر سفر دریا برآوری و باز آیی، ترا از مال خویش آزاد کنم... غلام... بار در کشتی نهاد و خود درنشست. روزی دو سه بر روی دریا می‌راند، ناگاه بادهای مخالف از هر جانب برآمد، سفینه را درگردانید... کشتی و هرچ درو بود، جمله به غرقاب فنا فرو رفت و او به سنگ‌پشتی بحری رسید؛ دست درو آویخت و خود را بر پشت او افکند تا به جزیره‌ای افتاد... چندین شبانه‌روز می‌رفت تا آن‌گاه که به کنار شهری رسید... عالمی مرد و زن از آن شهر بیرون آمدند... بعضی از آن قوم که مرتب پیشوایی و منزلت مقتدایی داشتند، پیش آمدند؛ انگشت خدمت بر زمین نهادند و بنده‌وار دست او را بوسه دادند... و جمله به یک زبان گفتند: ... ای خداوند، تو پادشاهی و ما همه بنده‌ایم، تو فرماندهی و ما همه فرمان‌بریم... پس [غلام] بر سریر سلوت و تخت سلطنت رفت... و یکی را از نزدیکان که آثار حسن حفاظ و امارات سیر حمیده در صورت او می‌دید... او را برگزید... روزی او را پیش خواند و بنشاند و جای از اغیار خالی کرد و گفت:... می‌خواهم که مرا از حقیقت کار آگاه کنی تا بدانم... که اهل این ولایت زمام انقیاد خویش به دست فرمان من چرا دادند... گفت:... بدانک هر سال این هنگام، یکی ازین جانب پدید آید که تو آمدی؛ او را به همین صفت بیارند و درین چهاربالش دولت بنشانند و چون یک سال نوبت پادشاهی بدارد، او را پالهنک

اکراه در گردن نهند و شاء ام آبی به کنار این شهر دریای است هایل، میان شهر و بیابان حایل، آنجا برند و او را سر در آن بیابان دهند تا بهایم صفت سرگشته و هایم می‌گردد و در قلق و اضطراب سر و پای می‌زند.» (روایینی، صص ۱۰۴-۱۱۲)

این داستان ریشه در آیین شاه‌کشی دارد. جیمز جرج فریزر در کتاب شاخه زرین به بررسی این رسم پرداخته است. بر اساس تحقیق وی، برخی از مردمان باستان پادشاه را انسان - خدا می‌پنداشتند و سلامت جهان را وابسته به زندگانی وی می‌دانستند و معتقد بودند که در صورت پیر و یا ضعیف شدن شاه، روال طبیعت مختل خواهد شد؛ ایشان برای جلوگیری از این فاجعه، شاه - خدا را پس از پدیدار شدن نخستین نشانه‌های سستی و کهولت، می‌کشتند و یا وادار به خودکشی می‌کردند.



دوره دوم، سال پنجم، شماره چهل و نهم، بهمن و اسفند ۱۳۹۰



اقوام کهن گمان می کردند که با این کار، روح پادشاه قبل از آن که گرفتار زوال و نابودی شود، به جانشین نیرومند و جوانش منتقل خواهد شد و در نتیجه، جهان از اختلال برکنار خواهد ماند. آیین مزبور تا قرن نوزدهم در بخش هایی از آفریقا رواج داشت (نک: فریزر، صص ۳۹۵-۳۰۵).

برخی از اقوام نیز ترجیح می دادند که پادشاه را در عین توانمندی و جوانی بکشند و یا معزول نمایند؛ به همین دلیل دوره ای کوتاه تعیین کرده بودند که در پایان آن شاه باید کشته و یا برکنار می شد (نک: همو، ص ۳۰۵). در بعضی از نقاط این مدت تنها به یک سال محدود می شد؛ فریزر در این باره می گوید: «در اعصار دیرین و نه در دوران تاریخی، شاهان بابل یا پیشینیان وحشی آنان، در پایان یک سال حکومت نه تنها از تاج و تخت، بلکه از جان خود نیز دست می شستند.» (همو، ص ۳۱۳) و «آثاری از کشتن شاه پس از یک سال سلطنت ظاهراً در جشن موسوم به ماکاهیتی که در آخرین ماه سال در هاوایی برگزار می شود، به جا مانده است.» (همو، ص ۳۱۴) از این سخنان آشکار می شود که داستان «غلام بازرگان» ریشه در آیین شاه کشی دارد.

منابع:

- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: سخن، ۱۳۷۶ ش.
- فریزر، جیمز جرج، شاخه زرین (پژوهشی در جادو و دین)، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: آگاه، ۱۳۸۳ ش.
- وراوینی، سعدالدین، مرزبان نامه، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی علیشاه، ۱۳۷۵ ش.
- یاحقی، محمد جعفر، فرهنگ اساطیر و داستانواره ها در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶ ش.

این قانون پس از مدتی دستخوش تغییراتی شد، در بابل «وقتی زمان کشته شدن شاه نزدیک می شد... چند روز از شاهی کناره می گرفت و در طول این مدت کسی دیگر به جای او سلطنت می کرد و به قتل می رسید.» (همانجا) باید افزود که برخی آیین میر نوروزی را مرتبط با رسم شاه کشی دانسته اند. (نک: یاحقی، ص ۸۰۴) به نظر نگارنده این سطور بررسی مرزبان نامه و آثار مشابه، با استفاده از رویکردهایی از این نوع، بسی جذاب تر از شرح لغات و ترکیبات و عبارات دشوار و اشعار عربی است.

